



## یادداشت

اصلاح طلبان به بهانه دفاع از انتخابات و جمهوری، در خدمت ولایت و انتصاب!

صادق کار



در روز چهارشنبه این هفته پس از آنکه اصلاح طلبان حکومتی نتوانستند بر سر رای دادن به یکی از هفت نامزد دستچین شده انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان به توافق برسند، اعضای شاخص این گروه که گرایش‌های راست‌گرایانه و سازشکارانه دارند یکی پس از دیگری با دادن پیام از مردم دعوت کردند تا در انتخابات شرکت کنند. عده‌ای از آنها نیز پا را از این هم فراتر نهاده و به نام "جمهور" از شهروندان خواستند تا در انتصابات شرکت و به عبدالناصر همتی نامزد حزب کارگزاران سازندگی رای دهند. عبدالناصر همتی که سعی کرد بخاطر بدنامی دولت روحانی و پشت کردن مردم به اصلاح طلبان حکومتی خود را نامزد مستقل و جریان سومی جا بزند با انتشار بیانیه‌ای که در تعدادی از رسانه‌ها منتشر شد از مردم خواست که برای حفظ جمهوریت و... در انتخابات فرمایشی شرکت و به وی رای بدهند. او در بیانیه‌ی خود فرمایشی بودن انتخابات و مشخص شدن رئیس جمهور قبل از رایگیری و هیچ کاره بودن رئیس جمهور را رد کرد و آنها را دروغ خواند!

از محمد خاتمی و سید حسن خمینی و بهزاد نبوی گرفته تا روحانی و محسن هاشمی و کروبی نیز مردم را به شرکت در انتخابات فرمایشی دعوت کردند. مجید انصاری یکی از روحانیون اصلاح طلب هم گفت "اگر یک مترسگ هم بجای همتی بود باید به او رای داد". خود خامنه‌ای نیز که رگ خواب این جماعت را می‌داند و از تهدیدات تو خالی آنها کک اش نمی‌گزد، متعاقب دعوت سر سلسه جنبان اصلاح طلبان به دعوت به شرکت در انتخابات، به صحنه آمد و شرکت در انتخابات فرمایشی اش را: سرنوشت ساز خواند و تحریم گسترده و بی سابقه توده‌ای انتخابات را با لحنی حاکی از تهدید توأم با نگرانی به دشمنان نظام و کشور نسبت داد.

تهدیدات خامنه‌ای اگر چه در مورد اصلاح طلبان حکومتی و کسانی که منافع دارند ممکن است کارگر بیفتد، اما در مورد مردم عادی و کسانی که اسیر بیکاری و فقر و درگیر ده‌ها مشکل دیگر هستند و یا از سرکوب و کشتار جوانان کشور به خشم آمده و از فساد و غارتگری مسئولین حکومتی و تبعیض و استبداد به تنگ آمده‌اند موثر واقع نخواهد شد. فراخوان اصلاح طلبان حکومتی به شرکت در انتصابات که به بهانه دروغین دفاع از جمهوریت به عمل می‌آید در واقع در خدمت دشمنان جمهوریت قرار دارد و آب به آسیاب آنها می‌ریزد. برای کارگران، معلمان، پرستاران،



بازنشستگان و سایر گروه های زحمتکش که در اثر بیدادگری و ناکارآمدی حکومت فاسد و مستبد جمهوری اسلامی به فقر و فلاکت افتاده اند، تا آنجا که به موضوع حقوق و معیشت آنها بر می گردد هیچ تفاوتی نمی کند که کدامیک از نامزدهای باقی مانده رئیس جمهور شود. سیاستهای هر دوی آنها در مورد حقوق و معیشت و رفاه زحمتکشان تفاوت چندانی با هم ندارند. اگر محسن هاشمی یا اسحاق جهانگیری هم رئیس جمهور می شد به حال مردم فرقی نمی کرد. برای اصلاح طلبان اما آنچه مهم است و آنها آنرا به منافع مردم و کشور همیشه ترجیح داده اند منافع گروهی این جماعت و ماندن در حکومت برای حفظ آن است. بهمین جهت با وجود اینکه می دانند همتی شانس چندانی برای پیروزی ندارد و فاصله او با رئیسی بر اساس یک نظر پرسی که در سایت اصلاح طلب آفتاب یک روز قبل از رای گیری منتشر شده ۶ به ۶۳ است و رضایی نیز ۲ درصد از همتی جلوتر است همتی را بهانه شرکت در انتصابات قرار داده اند! حتی سابقه جنایت کارانه رئیسی هم مشکل آنها نیست. که اگر بود صاحبان امتیاز دار معروفترین روزنامه های اصلاح طلب یک روز پیش از دعوت اصلاح طلبان به شرکت در انتصابات برای دست بوسی خدمت رئیس جمهور جنایتکار آینده نمی رسیدند و آن همه از اعمال وی تعریف و تمجید نمی نمودند. همین دست بوسی رفتن نشان می دهد که آنها از همان روز که به دیدار رئیسی رفتند شک و شبهه ای در مورد جلوس رئیسی بر صندلی ریاست جمهوری نداشته اند!

حال این پرسش پیش می آید که اگر اصلاح طلبان حکومتی نتیجه انتصابات ولایت فرموده را از پیش می دانسته اند، با شرکت در انتصابات می خواسته اند کدام جمهوریت را از دست چه کسی نجات دهند؟ حالا بیاییم فرض کنیم که معجزه ای در روز انتخابات رخ دهد و مردم برای نجات جمهوریت به توصیه اصلاح طلبان عمل کنند و به قول آقای انصاری به یکی از مترسک ها رای دهند و رهبر معظم شان هم آنرا بپذیرد، در آن صورت هم نتیجه مگر غیر از تکرار دوران، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی خواهد بود؟



© telegram.me/s/ettehad

**به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!**



## تجربه تعاونی موندراگون بخش اول

### خابیر باراندیاران و خاویر لزاون



#### ۱. مقدمه

شهر موندراگون (Mondragón) در ایالت باسک اسپانیا نام خود را به یکی از مهمترین تجربیات در سازماندهی تعاونیها و خودمدیریتی کارگران در سراسر جهان داده است. جنبش تعاونی موندراگون، که در سالهای دهه ۵۰ قرن گذشته بنیان نهاده شد، با استقرار یک برنامه آموزش فنی – حرفه ای آغاز شد و با ایجاد تعدادی شرکتهای صنعتی، به سرعت گسترش یافت. از آن پس، شبکه تعاونیهای موندراگون مداوماً گسترش یافته است: چه به لحاظ دامنه و گستره فعالیتهای اقتصادی اش و چه به لحاظ تعداد شرکتهایی که شامل می شده است. امروزه این مجموعه تعاونی، شامل بیش از ۱۰۰ شرکت، متجاوز از ۷۴ هزار کارگر و درآمد سالانه ای برابر ۱۲/۵ میلیاردورو است (این داده ها مربوط به سال ۲۰۱۵ اند). موندراگون دربرگیرنده شرکتهای تعاونی متنوعی است: از کارگاه های تعاونی کوچکی با کمتر از ۱۰ عضو تا شرکتهای صنعتی بزرگی با هزاران کارگر در سراسر دنیا، و در کنار اینها مجموعه ای از سازمانهای پشتیبانی و امداد. موندراگون، با پایبندی محکم به شأن و منزلت هر فرد کارگر و حق حاکمیت کار، تجربه ای عینی از پتانسیل، توانائیها، گرفتاریها و ناکامیهای کار تعاونی را به دست می دهد که در انطباق دائم با شرایط و محدودیت های اقتصاد امروز که به طور فزاینده ای جهانی می شود، عمل می کند. نوشته حاضر با مکتبی بر زمینه تاریخی شهر موندراگون در زمانی که نخستین تعاونیها در آن ایجاد شدند، و نگاهی به ارزشهای وقت که موجب پاگیری و تحرک تعاونیها می شدند، آغاز می شود. سپس ساختار سازمانی سیستم موندراگون را هم در سطح یک شرکت تعاونی منفرد و هم در سطح هماهنگی گروهی از شرکتهای تشریح می کند. پس از آن گسترش سریع تجربه موندراگون و بین المللی شدن برخی از بزرگترین تعاونیهای آن از سالهای دهه ۹۰ قرن گذشته به این سو تحلیل می شود. نوشته با تحلیل اثرات این روند بر تعادل بین فعالیت تعاونی از یک سو و مبانی سرمایه داری از سوی دیگر در امر سازماندهی تولید ادامه می یابد. سرانجام اثرات بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و تداوم آن بر گروه موندراگون، و بر عملیات این سیستم منحصر به فرد از همبستگی درون-تعاونی تحلیل خواهند شد. نتایجی چند در باره چشم اندازهای آتی این تجربه دیرپا و پردامنه مالکیت کارگری و خودگردانی دموکراتیک پایان بخش نوشته خواهند بود.



## ۲. زمینه های بنیانگذاری و ارزشهای ناظر بر آن

در سالهای دهه ۴۰ قرن گذشته اسپانیا کشوری بود با زخمی عمیق از یک جنگ داخلی مهیب، که تحت دیکتاتوری خشنی در فقر زنگی می کرد و به زور از بقیه جهان جدا نگه داشته می شد. انجمنهای سیاسی و اتحادیه های کارگری ممنوع شده بودند (الا "سندیکای عمودی" که آن هم توسط دولت تحریم شده بود). جامعه مدنی هر روزه در معرض پیگرد و نظارت تفصیلی پلیس قرار داشت. رژیم ژنرال فرانکو سیاست اختناق حتی شدیدتری را در ایالت باسک، واقع در شمال اسپانیا، اعمال می کرد و علیه هرگونه ابراز وجود نسبت به هویت باسک و سازمانهای اجتماعی خواهان خودمختاری این ایالت جز سیاست سرکوب پاسخی نداشت.

بر چنین زمینه ای بود که نخستین دانه های جنبش تعاونی موندراگون کاشته شدند. نیروی محرکه این جنبش کشیش جوانی به نام خوزه ماریا آریزمندیاریتا (José María Arizmendiarieta) بود، که در سال ۱۹۴۱ پس از تکمیل تحصیلاتش در "حوزه علمیه ویتوریا"، که در آن زمان مرکز پیشرو اندیشه های جامعه گرایانه کاتولیکی در اسپانیا بود، به شهر موندراگون آمد. موندراگون نیز، مثل دیگر شهرهای نزدیک آن در منطقه گیپوزکوا، ترکیبی از یک سنت صنعتی در پیوندهای عمیق فرهنگی با مناطق روستائی درون این منطق بود. سنت صنعتی گفته شده از اوایل قرن بیستم به یمن تأسیس کارخانه قفل سازی یونیون و مدرسه فنی پا گرفته بود. آریزمندیاریتا با اتکا به این ترکیب خاص از ارزشهای جامعه گرایانه و کارآفرینی اقتصادی، انجام یک سری سرمایه گذاریهای تعاونی را برای تأمین تحصیلات و اشتغال بهتر در منطقه ترغیب و ابتکار کرد.

از دید روشنفکری، آریزمندیاریتا مبانی فلسفی و سازمانگرایانه اش را از مجموعه ای از مکاتب ایدئولوژیک زمانه اخذ کرده بود. در رأس این مکاتب آموزه های اجتماعی کلیسای کاتولیک قرار داشت، که با انتشار منشوری به نام "منشور نوین" (Rerum Novarum) در زمان پاپ لئوی سیزدهم در سال ۱۸۹۱ شأن کار و حق سازماندهی کارگران را تأیید کرده بود. آریزمندیاریتا عناصری از اندیشه های متفکران "شخصیت گرا"ی فرانسوی (به طور خاص ژاک ماریتین و امانوئل مونیر) را به این بستر فکری افزود و این مجموعه را با دو تجربه محلی در آمیخت:

۱. سنتهای سازمانیابی جمعی باسک، به ویژه آنهایی که در اطراف شهر ایبار شکل گرفته بودند. ایبار یک مرکز صنعتی برجسته و در حال شکوفائی بود که در طول دوره منتهی به جنگ داخلی اسپانیایی به قطبی برای فعالیتهای سوسیالیستی تبدیل شده بود،

۲. ارجحیت دادن به شکلهای تعاونی سازماندهی که شاخص فعالیتهای اتحادیه های ملی گرای باسک در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بود.

# بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



## رئیزی و همتی هر دو در خط ولایت و صاحبان ثروت!

صادق



اعتراضات کارگری به رغم شرا دیط ویژه ناشی از انتخابات فرمایشی در این هفته نیز ادامه پیدا کردند. اما انعکاس اخبار آنها در مقایسه با گذشته محدود و سانسور شدند تا فضای ساختگی برای تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری را کمتر تحت تاثیر قرار دهند. ادامه اعتراضات نشان می دهد که تبلیغات به اصطلاح انتخاباتی نامزدهای دستچین شده حکومت نتوانسته است آنطور که نامزدها و حکومت انتظار داشته اند از دامنه اعتراضات بکاهد و نارضایتی فزاینده کارگران از وضعیت جاری را کاهش دهد.

صحتی از افزایش دستمزد، وضعیت ناهنجار کارگران پیمانی و شرکتی، قراردادهای اسارتبار موقت، حق اعتصاب و تشکل و حتی تضمین پرداخت دستمزدهای به گروگان نگاه داشته کارگران در مناظره ها از طرف هیچ یک از نامزدها نشد. گویی برای آنها ورود به این گونه مسائل ممنوع شده بود و یا با هم عهد کرده بودند که به آنها ورود نکنند. بر عکس سیگنالهای زیادی مبنی بر سخت شدن قوانین و محدودتر شدن حقوق سندیکایی کارگران از جانب نامزدهای اصلی هر دو جناح مطرح بود که گوشه هایی از آن به بیرون درز کرد. در این میان میتوان به برنامه ای اشاره کرد که توسط اتاق بازرگانی و در هماهنگی با رئیزی تهیه شده است. در برنامه مذکور که نام (بنای ایران) را بر آن نهاده اند تقصیر همه مشکلات اقتصادی از رکود گرفته تا فقر و بیکاری به قانون کار نصفه نیمه که ده ها سال است اجرا نمی شود و دستمزدهای یک پنجم خط فقر کارگران نسبت داده شده و تصمیم دارند اولی را بکلی از صحنه روزگار حذف و دومی را تا سطح یک دلار در روز کاهش دهند! گفته می شود کاهش سطح دستمزدها تا سطح معادل یک دلار در روز، قانونی و رسمی کردن قراردادهای موقت کار، ممنوع شدن رسمی حق اعتصاب و تشکل، استخدام فارغ التحصیلان دانشگاهی بعنوان کار ورز با یک سوم حداقل دستمزد، منطقه ای کردن دستمزد و لغو قانون حداقل دستمزد، کاهش حقوق بازنشستگی و افزایش سن بازنشستگی، توافقی کردن بیمه و خصوصی سازی تامین اجتماعی بخشی از برنامه مشترک اتاق بازرگانی و رئیزی است. پیداست که اجرای این برنامه که در تضاد با وعده های معیشتی و "عدالتخواهانه" دار و دسته رئیزی و سایر محافظه کاران هم پیمان آنها دارد چه بلایی بر سر معیشت مردم می آورد. بهمین جهت بسیار طبیعی است که کارگران و عده های نامزد اصلی حکومت در مورد مسائل رفاهی را جدی نگیرند و فریب آن ها را نخورند. یکی از اهداف دیگر برنامه اتاق بازرگانی و دولت برآمده از انتخابات فرمایشی ملاحور کردن بدهی های نجومی دولت به تامین اجتماعی است. نامزد رقیب رئیزی عبدالناصر همتی رئیس کل سابق بانک مرکزی با همه تفاوت هایی که با رئیزی دارد، نیز آنطور که از

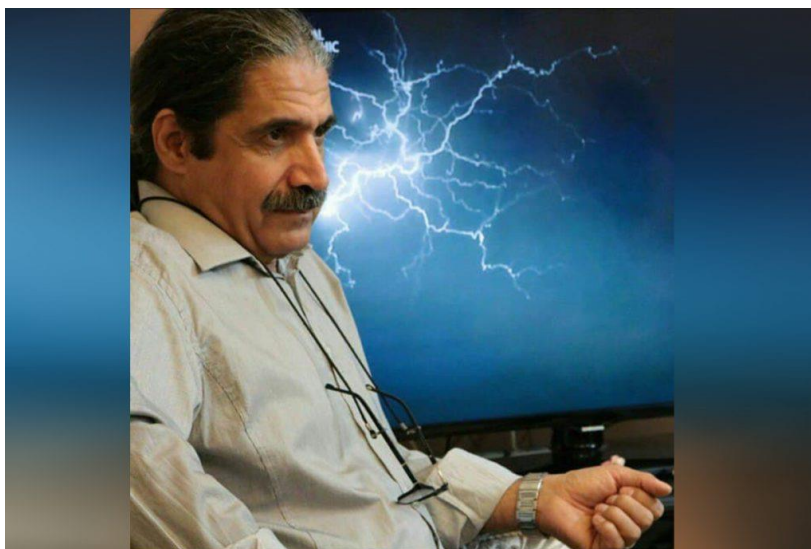




صحبت هایش در مناظره‌ها فهمیده می‌شود و سوابق او نیز نشان می‌دهد، اختلاف اساسی با طرح و برنامه رئیسی و اتاق بازرگانی برای برچیدن ته مانده قانون کار و از بین بردن حقوق کارگران ندارد. بنا بر این هر دوی نامزدهای اصلی ریاست جمهوری حتی اگر تنها در یک مورد با هم توافق داشته باشند، بر سر از بین بردن حق و حقوق کارگر است.

بهمین خاطر است که همتی در مورد مطالبات کارگران، بازنشستگان، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران سکوت کرده است و سایر نامزدها به دادن وعده‌های کلی مثل یارانه، مسکن و بسته‌های غذایی و... بسنده می‌کنند تا از ورود به حوزه مطالبات ملموس و مشخص که در بالا ذکر شد امتناع نمایند. در هیچ یک از مناظره‌ها از زبان هیچ کدام از نامزدها صحبتی از پذیرش حق فعالیت سندیکاهای کارگری نشد، حرفی از آزادی فعالین سندیکایی و سیاسی از زندان نه زده شد و نه قولی برای آزادی آنها داده شد. این در حالی است که دلیل عمده فقر و فلاکت و ده‌ها معضل و بحران کنونی که گریبان مردم را گرفته محروم کردن مردم از آزادی‌های اساسی است. مردمی که از آزادی و حق سخن و اعتراض برخوردار باشند، راه حل مشکلات شان را خود فرا می‌گیرند. از رئیسی و رضایی و نامزدهایی که به نفع رئیسی جنایتکار از انتخابات کناره گیری کردند، صد البته انتظار نبود که کلامی در مورد آزادی بر زبان آورد، اما نامزد مورد حمایت اصلاح طلبان حکومتی نیز در این خصوص هیچ قول و وعده‌ای نداد. آخر مگر نه این است که همه آنها بقای سیاسی خود را در تداوم استبداد و سرکوب می‌بینند؟ حداقل امتیاز دیکتاتوری برای آنها خالی ماندن میدان از رقیب است. بهمین جهت او هم به نوبه خود بخاطر فراهم کردن این موقعیت باید سپاسگزار سرکردگان استبداد فقهاتی و رفقای اصلاح طلب اش باشد!

با این احوال اما مردم با دوری جستن از صندوق های رای حامیان فرصت طلب و تحریم شکن انتصابات فرمایشی را شرمنده خواهند کرد.



**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



چطوری است که مسئولین حکومت همه وعده‌های سخاوتمندانه شان را بطور نسیه می دهند؟

به نوشته خبرگزاری ایلنا محمد شریعتمداری وزیر کار دولت روحانی در نامه‌ای که برای روحانی اخیراً فرستاده است، خواستار برقراری فوق العاده ویژه به میزان ۵۰ درصد برای همه کارمندان دولت شده است. استناد وزیر کار برای افزایش حقوق همه‌ی کارمندان دولت به ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری است. بنا به همین گزارش قبلاً نیز شریعتمداری در نامه دیگری که خطاب به نوبخت نوشت خواستار اجرای ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به کارمندان وزارت کار شده بود. در این نامه که در ۲۵ خرداد برای روحانی فرستاده شد، شریعتمداری به رئیس جمهور پیشنهاد داده است " این کار نیک را در روزهای آخر صدارت خود به یادگار بگذارد".

در این نامه دیر هنگام که چند صباحی بیشتر به پایان کار دولت و به تبع آن به صدرات شریعتمداری باقی نمانده اما حرفی از افزایش دستمزد کارگران که به مراتب کمتر از حقوق کارمندان رسمی دولت است زده نشده. در مورد کارمندان دولت نیز هنوز معلوم نیست که رئیس جمهور با این تقاضا موافقت خواهد کرد یا نه. در هر حالت فارغ از نیات پشت این درخواست، سوالی که در این میان برای هر کسی ممکن است پیش بیاید این است که این وزیر نیکو کار و کارمند دوست چرا این خدمت را تا ماه آخر صدارت اش انجام نداده که افتخار انجام آن را برای دولت و وزیر بعدی به ارث نگذارد؟ چطوری است که مسئولین حکومت همه وعده‌های سخاوتمندانه شان را بطور نسیه و در آغاز و پایان مسئولیت هایشان می دهند؟ بهر حال ما هم امیدواریم رئیس جمهور با این درخواست وزیر اش موافقت کند.

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات در چند شهر مختلف

کارکنان شرکتی مخابرات در ۲۵ خرداد بطور همزمان در اعتراض به نوع قراردادهای کاری، اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل و چند مطالبه صنفی دیگر در شهرهای اهواز، شوشتر و مسجد سلیمان تجمع و خواستار رفع مشکلات و اجرای مطالبات خود شدند. پرداخت دستمزد و مزایای برابر به کارکنان شرکتی و رسمی نیز از خواسته های کارگران شرکتی مخابرات در هر سه شهر خوزستان است.

کار می کنیم اما حقوق دریافت نمی کنیم

بیگاری شاخ و دم دارد؟ اگر نام این کار بیگاری نیست پس چیست؟



به گزارش خبرنگار ایلنا، «از ابتدای سال تحصیلی تا امروز بدون دریافت حقوق در یکی از دورافتاده‌ترین روستاهای کشور تدریس کرده‌ام اما حقوقی به من نداده‌اند. ما پنجاه نفر هستیم که زیر نظر یک مدرسه‌ی غیرانتفاعی به عنوان معلم خرید خدمات آموزشی جذب شده‌ایم و برای تدریس به مناطق محروم می‌رویم. همین رفتن به آنجا کلی خرج روی دستمان می‌گذارد. اگر حقوقی را که در قرارداد ذکر شده به ما بدهند فقط پول رفت و آمدمان می‌شود اما همان را هم نمی‌دهند و ما از جیب خودمان هزینه می‌کنیم؛ اینها را یکی از معلمان خرید خدمات آموزشی به ایلنا می‌گوید.

البته وضعیت اکثر معلمان خرید خدمت در سایر نقاط کشور مشابه وضعیت شغلی و مزدی این ۵۰ معلم است. دستمزد و حقوق معلمان شرکتی و خرید خدمت حتی کمتر از حداقل دستمزد رسمی است و اکثر آنها تحت پوشش بیمه هم نیستند.

کارکنان رسمی صنعت نفت خود را آماده تجمع بزرگتری می‌کنند

بی پاسخ ماندن مطالبات کارگران صنعت نفت به رغم چند اعتراض و تجمع پیاپی در تهران و مناطق نفتی توسط مدیران صنعت نفت دوباره کارگران رسمی نفت را مجبور به انجام اعتراض دیگری در ۹ تیر نموده است. کارگران نفت که از پذیرفته نشدن مطالبات صنفی شان توسط مدیران ناراحت هستند تصمیم دارند در ۹ تیر ماه با برگزاری یک تجمع وسیع دوباره مبارزه برای پیگیری مطالبات شان را متحدانه تر دنبال کنند. آنها تا ۹ تیر به مدیران مهلت رسیدگی داده‌اند و گفته اند اگر تا آن زمان جواب مثبت نگیرند تجمع خواهند کرد. گفتنی است که انجام پاره‌ای تغییرات تعدیلی در مزایا و حقوق و شرایط کاری کارگران نفت موجب یک رشته اعتراضات در میان آنها گردیده است. افزایش دستمزد و نحوه محاسبه آن مهمترین مطالبه کارگران در حال حاضر است.

اعتصاب در ماهشهر علیه اخراج کارگران بومی

کارگران شرکت تهران جنوب ماهشهر در ۲۴ خرداد جهت اعتراض به اخراج تعدادی از همکاران شان اعتصاب و خواستار توقف اخراجها و بازگرداندن کارگران اخراج شده به سر کارهایشان شدند. گفته می شود کارفرما عده‌ای از کارگران پالایشگاه بید بلند را که محلی بوده‌اند از کار اخراج نموده و بجای آنها نیروی کار غیر بومی استخدام کرده است. گفتنی است که به علت وجود بیکاری گسترده در منطقه در سالهای اخیر اختلاف بر سر محل های شغلی اندکی که در منطقه وجود دارد افزایش پیدا کرده و مدیران شرکتها تلاش می کنند با سئو استفاده از اختلافات میان کارگران بومی و غیر بومی دستمزدها را تا حد ممکن پائین نگاه دارند.

تجمع اعتراضی خانواده‌های کارگران معدن فسفات اسفوردی در بافق

خانواده‌های کارگران این معدن که در نزدیکی شهر بافق قرار دارد در ۲۴ خرداد در شهرک آهن شهر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد های اردیبهشت ماه همسران و پدران شان تجمع و خواستار پرداخت مطالبات مزدی آنها شدند. گفته می شود هنگام برگزاری این تجمع دو تن از کارگران توسط حراست دستگیر شده‌اند. کارگران همچنین نسبت به پرداخت نشدن کامل دستمزد اضافه کاری خود معترض هستند.

تجمع رانندگان شرکت واحد مقابل شورای شهر تهران





به گزارش کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد در ۲۳ خرداد رانندگان و کارگران شرکت واحد در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل در برابر شورای شهر تجمع کردند. خواست معترضین اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که گویا با وجود اعتراضات و مراجعات مکرر نمایندگان سندیکا به مسئولین ذیربط هنوز به اجرا در نیامده است. لازم به ذکر است که اجرای طبقه بندی مشاغل به بهبود دستمزد و مزایای کارگران کمک می کند و دلیل امتناع کارفرمایان و مدیران از اجرای آن بهمین خاطر است.

تجمع اعتراضی دوباره کارگران شهرداری در امیدیه

کارگران شهرداری امیدیه که از سه ماه پیش تا کنون دستمزد و حق بیمه هایشان را پرداخت نکرده اند و از لحاظ معیشتی خانواده هایشان سخت تحت فشار قرار دارند، در ۲۳ خرداد بار دیگر تجمع و خواستار پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده خود شدند.

ادامه اعتراضات کارگری در هفت تپه

اعتراضات کارگری نسبت به پرداخت نکردن دستمزد کارگران و کاهش حق آبه شرکت که از دهم خرداد با اعتصاب کارگران بخش کشاورزی و تجمع مقابل فرمانداری شوش دوباره شدت گرفت همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. در ۲۶ خرداد دوباره کارگران برای نجات مزارع نیشکر از خشکیدن و گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده سه ماهه اخیرشان تجمع کردند. فشار به کارگران از هنگام خلع ید مالکیت از اسد بیگی توسط دارودسته مالک اختلاسگر سابق تشدید شده است، با این همه کارگران خردمندانه در تلاشند تا بر این فشارها غلبه نموده و از دست آوردهای مبارزاتی شان دفاع کنند.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

**ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان**

**کرونا را تامین کند!**